



ادات در منطق و دستور و علم بیان

(۲)

۳ - اادات به معنی حرف - اادات در دستوره‌های فارسی بیشتر بمعنی حرف است و بسیاری از دستورنویسان آنرا به این معنی بکار برده‌اند از آن جمله‌اند: نجم الغنی در «نهج الادب» (ص ۷۱۸ و ۷۲۵ و ۴۱۴) میرزا حبیب در «دستور سخن» (ص ۱۰۱ به بعد) و «دبستان پارسی» (ص ۱۰۸ به بعد) عبدالکریم ایروانی در «قواعد صرف و نحو فارسی» (ص ۴۱) عبدالرحیم همایون فرخ در «دستور جامع» (ص ۱۲۶) ، غلامحسین کاشف در «دستور زبان فارسی» (ص ۲۱۵ و ۲۱۲) در این میان تنها غلامحسین کاشف بحروف اضافه اادات بجز «(ص ۲۱۵) و بحروف ربط «ادات عطف» می‌گوید (ص ۲۱۲) در حالی که دستورنویسان یادشده در این مورد اصطلاح حرف را بکار می‌برند. باری آوردن اادات بجای حرف و حرف بجای اادات در دستوره‌های قدیم فارسی فراوان است فی‌المثل نجم الغنی «الا» و «مگر» را اادات استثناء خوانده است (نهج الادب ص ۷۱۸ و ۷۲۵) و عبدالکریم ایروانی نیز «مگر» را اادات استثناء گفته است (قواعد صرف و نحو فارسی ص ۴۱) و میرزا حبیب «را» را که از حروف اضافه است در شمار اادات آورده است «دستور سخن» برخی از دستورنویسان اادات و حروف را مترادف هم و در کنار هم بکار برده‌اند مثلاً میرزا حبیب اصفهانی و محمد حسین انصاری چنین کرده‌اند و این دورا بجای هم بکار برده‌اند (تنبیه - الصبیان ص ۷ ، دستور سخن ص ۱۰۱ ، دبستان پارسی ص ۱۰۸) .

* آقای دکتر خسرو فرشیدوردی استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از صاحب نظران و شاعران نامدار معاصر.

۴ - ادات بمعنی فعل ربطی - دیدیم که بعضی از دستور پژوهان فارسی برخلاف رسم نحویسان عربی و بشیوه منطقیان «حروف» و «ادات» را بمعنی فعل ربطی هم آورده‌اند و اینگونه فعلها را اینطور نامگذاری کرده‌اند: «ادات ربط» (تنبیه الصبیان ص ۱۲۰) ، «ادات رابط» (دستورسخن ص ۱۰۴ و دبستان پارسی ص ۱۳۶) «حرف ربط» (نهج الادب ص ۵۷۵ و ۵۷۶) ، حروف روابط (مناظر القواعد ص ۴۶) .

مثلا میرزا حبیب می نویسد: «است ادات رابطه است و «اند» بجای جمع آن است» (دبستان پارسی ص ۱۳۶) و محمد حسین انصاری می آورد: «گاهی به ادات ربط «نه» متصل نموده نیست گویند» (تنبیه الصبیان ص ۱۲۰) البته وی ادات ربط را بحروف ربط نیز اطلاق می کند و در این باره می نویسد: پنجم از ادات ربط که میان دو جمله ربط دهد چون «شاید که بیاید» و «همینکه گفت» (تنبیه الصبیان ص ۱۱۴) .

۵ - ادات بمعنی صوت - صوت با آنکه در حکم فعل یا جمله است و بعضی نیز آنرا شبه جمله نامیده‌اند و در عربی نیز بیشتر جزء اسمهاست (جزء نوع خاصی از اسم به نام اسم فعل) البته گاهی هم صوت در عربی معادل حرفست مثلاً معادل حرف تنبیه «الا» و «اما». بعضی از دستورنویسان قدیم پاره‌ای از صوتها را در حکم حروف و ادات فرض کرده‌اند از آن جمله اند نویسندگان دستورهای «مناظر القواعد» و «تحقیق القوانین» و «نهج الادب» و «قواعد صرف و نحو فارسی» ، «دستورسخن» ، «دبستان پارسی» .

صاحب تنبیه الصبیان نیز بسیاری از اصوات و پسوندها را در ذیل مبحث حروف آورده‌اند است مثلاً او نویسندگان دستورهای یادشده . آه ، آوخ ، خه ، بهبه را حروف و اصوات تحسریا تعجب یا تحسین نامیده‌اند (تنبیه الصبیان ص ۹۷ و ۹۶ ، مناظر القواعد ص ۴۶ ، نهج الادب ص ۵۶۴ ، ۵۷۲) .

۶ - ادات بمعنی جایگاه نحوی قید و مفعول بواسطه و متمم قیدی در جمله - دکتر باطنی در کتاب: «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» جایگاه قید و مفعول بواسطه را در جمله ادات می نامد (ص ۱۷۴) بنابراین ادات را بمعنی تازه و بیسابقه‌ای بکار میبرد.

۷ - ادات بمعانی دیگر - محمد نسیم نکهت سعیدی استاد دانشگاه کابل در کتاب «دستور زبان معاصر دری» ادات را بمعنی هائی بکار برده است که نه منطبق با تعبیرات منطقیان و نحویان قدیم است و نه بمعنای زبانشناسی جدید آن است . ادات در نظر این دستور نویس اولاً تعریف نشده و ثانیاً برخلاف ادوات در دستوره‌های گذشته شمول زیادی هم ندارد ثالثاً از طبقات نا هم جنس و نا همگونی برگزیده شده است. او ادوات را چهار قسم میداند و درباره آن چنین می نویسد: ادوات پرسشی (آیا) که در آغاز برخی جمله های پرسشی استعمال می شود ۲ - ادوات تأکیدی «که» مانند «ترا برای نشستن که اینجا

نیاورده‌اند. ۳ - ادات عددی «تا» که در موارد معین پس از عدد و پیش از معدود می‌آید p-
ادات تشبیه (ص ۱۰۵) .

پاری از مطالب یاد شده چنین برمی‌آید که ادات با آنکه از منطق وارد دستور شده
است و بیشتر بمعنی حرف است ولی همیشه چنین نیست و اگرچه این اصطلاح در فارسی هم
بیشتر بمعنی حرف در نحو عربی است اما بر روی هم در آثار دستور نویسندگان ما معنی دقیق و
روشنی ندارد زیرا این گروه آنرا برای معانی متعددی بکار برده‌اند و همین امر موجب
عدم صراحت و وضوح و دقت مفهوم آن شده است و ثانیاً يك دستور نویس واحد این اصطلاح
را بمعانی متفاوتی بکار برده است به معنانهائی از قبیل فعل ربطی پسوند ، پیشوند ، حرف
ربط ، حرف اضافه ، صوت ، ضمیر متصل .

اما ادات باهمه ابهامی که در معنی آن دیده میشود بطور کلی در دستورها معادل است
با چیزی که در زبان شناسی جدید آنرا به این نامها می‌خوانند که همه تقریباً معادل یکدیگرند:
کلمات ساختاری^۱ ، کلمات نقش نما^۲ ، کلمات نامستقل^۳ ، کلمات انضمامی^۴ ، کلمات تهی از
معنی^۵ ، کلمات دستوری^۶ ، کلماتی که از طبقه بسته^۷ زبانند کلمات صوری^۸ ادات^۹ .

بنابراین ادات در زبان شناسی جدید شامل کلماتی مانند پسوند ، پیشوند ، صفت‌ها
و ضمائر اشاره ، مبهم ، پرسشی ، تعجبی ، افعال ربطی ، حرف ربط ، حروف اضافه اصوات
و غیره می‌شوند.

این اصطلاح که در دستورهای جدید چندان مورد استعمال ندارد در دستورهای قدیمتر
معمولاً هنگامی بکار رفته است که دستور نویس تصور روشنی از مطالب و مقولات مورد
مطالعه خود نداشته و نمی‌توانسته است طبقه‌بندی دقیقی از واژه‌ها و مفاهیم دستوری خود
بعمل آورد در آن صورت اصطلاح کشدار و مبهم «ادات» را برمی‌گزیده است مثلاً مرحوم
قریب و آزه‌های استفهامی را که شامل صفت و قید و اسم و شبه فعل استفهامی (کو) میشود
از نظر آسان‌گرایی همه را «ادات پرسش» یا «ادات استفهام» نامیده است. به همین سبب
در دستورهای امروز بهتر است از بکار بردن این اصطلاح که متعلق به منطق است خودداری
نمائیم و اگر لازم است که آنرا بکار بریم . خوب است آنرا بمعنی پارتیکل^{۱۰} فرنگی که شامل
عناصر دستوری و طبقه بسته زبان است استعمال کنیم . ضمناً باید دانست که معنی ادات
برای بعضی از دستور نویسندگان گنگ‌تر و مبهم‌تر از بعضی دیگر بوده است ولی بتدریج مفهوم
آن روشن شده است و وضوح آن بحدی رسیده است که نویسندگان دستور دریافته‌اند
بچنین اصطلاحی که متعلق به منطق است نیازی ندارند و در نتیجه جز معدودی آنرا کنار
گذاشته‌اند. ضمناً بنظر میرسد ادات در منطق ترجمه‌ای است از «پارتیکولا»^{۱۱} ای لاتین یا
معادل یونانی آن همانطور که کلمه فعل هم درست معادل و ربوم^{۱۲} لاتینی یا معادل یونانی

و ترجمه‌ای از آن است زیرا آنجا هم این واژه بمعنی تقریر و بیان و کلمه است زیرا شك نیست که کتب منطق اسلامی از منطق ارسطو به فارسی برگردانده شده است بنابراین مشابهت تام بین مفهوم ادات و حرف در منطق و صرف و نحو عربی و فارسی از طرفی و پارتیکل یا پارتیکول اروپایی از طرف دیگر به هیچوجه تصادفی نیست .

ضمناً «ادات» (پارتیکل یا پارتیکول) و حرف در دستورهای اروپایی کلمه‌ای است معمولاً کم حجم و غیر مرکب که برای نشان دادن نقش دستوری کلمات و گروهها و جملهها بکار میرود و باتلفیق تعریف ادات در فرهنگ اسلامی و اروپایی میتوان آنرا چنین تعریف کرد: «ادات معمولاً کلماتی هستند کوتاه و غیر مرکب و نامستقل که کارشان در کلام ارتباط بین جملهها و گروهها و کلمات دیگر و نشان دادن نقش دستوری آنها است» باین سبب آنها را می‌توان به این نامها نیز نامید: کلمات دستوری، کلمات نقش‌نما، کلمات تهی از معنی، کلمات انضمامی، کلمات نامستقل، کلمات ساختمانی، کلماتی که جزء طبقه بسته زبانند.»

ادات معانی و بیان

گفتیم یکی از موارد استعمال ادات در علم بیانست در آنجا که سخن از تشبیه و ادات تشبیه به میان می‌آید .

ادات تشبیه در عربی و فارسی حروف و افعال و پسوند ، اسمهاست که وسیله تشبیه «مشبه» به «مشبه‌به» است . کلماتی و عناصری مانند: چون ، مانند ، مثل ، شبیه ، نظیر ، میماند . وار ، کون ، فام ، همانطور که در فارسی وك و كان و تماثل و تشابه و غیره در عربی مثال: روی او مانند گلبرگ است ، رخت چون برگ گل زیباست میدانم که میدانی هواگشت چون روی زنگی سیاه . العلم كالنور

گفتیم ادات تشبیه گاهی حرفند و گاهی فعل و گاهی اسم و صفت و گاهی پسوند ولی بیشتر حرفند و هنگامی که فعل یا صفت یا اسمند (مانند شبیه نظیر ، مثل می‌ماند) کلمات ناقصی هستند که احتیاج به متمم دارند و آن متمم معمولاً مشبه به است بنابراین این عناصر تا به کلمه‌ای که مشبه به است الحاق نشوند معنی کاملی پیدا نخواهند کرد مثلاً شبیه و نظیر و می‌نماید و شباهت دارد به تنهایی معنی کاملی ندارند . به همین سبب عناصر و ادات تشبیه را میتوان از عناصر دستوری و ساختمانی و واژه‌های غیر مستقل دانست .

مراجع

رساله منطق دانشنامه علائی تألیف ابن سینا چاپ ۱۳۳۱ (دکتر معین و مشکوة)

اساس الاقتباس خواجه نصیر طوسی چاپ دانشگاه تهران ۱۳۵۵ .

درة التاج چاپ تهران ۱۳۴۰ (تصحیح محمد مشکوة) .

قوانین منطق صوری تالیف دکتر محمد خوانساری چاپ ۱۳۳۸ .
 دستور سخن از میرزا حبیب اصفهانی چاپ ۱۲۸۹ استانبول .
 دیستان پارسی از میرزا حبیب اصفهانی چاپ استانبول ۱۳۰۸ .
 نهج الادب از نجم الغنی رامپوری چاپ هند .
 نقد شعر فارسی (تشبیه و استعاره در زبان فارسی)، چاپ و خید سال ۱۳۵۰ شمسی از
 خسرو فرشیدورد .

تحقیق قوانین از حاجی محمد مجیب الدین چاپ ۱۲۶۲ قمری - هند .
 دستور زبان فارسی از دکتر خیامپور چاپ ۱۳۴۴ تبریز .
 دستور زبان فارسی از غلامحسین کاشف چاپ اسلامبول ۱۳۲۹ قمری .
 دستور زبان فارسی از عبدالعظیم قریب چاپ ۱۳۳۹ تهران .
 دستور زبان فارسی از پنج استاد (قریب ، فروزانفر ، بهار ، رشید یاسمی ، همائی)
 جلد ۲، ۱۳۲۹ شمسی .

مناظر القواعد تالیف رورند کیانی سیل چاپ ۱۹۱۱ در هند ۴۶ .
 شرح ابن عقیل از عبدالله بن عقیل العقیلی الهمدانی چاپ مصر ۱۹۵۶ ج ۲ .
 المعجم فی معانی اشعار العجم از شمس قیس رازی چاپ خاور ۱۳۱۴ .
 تشبیه الصبیان از محمد حسین مسعود بن عبدالرحیم الانصاری چاپ استانبول ۱۲۹۸ قمری .
 دستور جامع زبان فارسی از عبدالرحیم همایون فرخ چاپ تهران ۱۳۳۷ شمسی .
 قواعد صرف و نحو فارسی از عبدالکریم ایروانی چاپ ۱۲۶۲ قمری .
 دستور زبان معاصر دری از محمد نسیم نکهت سعیدی چاپ کابل ۱۳۴۸ شمسی .
 دستور امروز از خسرو فرشید ورد چاپ تهران ۱۳۴۸ .
 توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی از دکتر باطنی چاپ تهران ۱۳۴۸ .
 مطول، تفتازانی ، چاپ سنگی ۱۳۵۱ قمری ص ۲۶۹-۲۷۱-۲۷۲ .
 معالم البلاغ از خلیل الله رجائی چاپ شیراز ص ۲۵۷-۲۵۸ .
 مبادی العربیه از المعلم رشید شرطونی چاپ بیروت ۱۹۲۴ .
 مجمع الرسائل از حاج محمد کریم خان کرمانی چاپ چاپخانه سعادت کرمان سال ۱۳۵۲

J . Marocizeau , Lexique de la Terminologie Linguistique 1901 .
 R . R . K . Hartmann and F . C . Stork , Dictionary of Language
 and Linguistics 1972 .

Jean , Dubuis , Dictionnaire de Linguistique 1973 .

- | | |
|-----------------------------|----------------------------|
| 1 _ Structural Words | 2 _ Function Words |
| 3 _ Les Mots non - Autonome | 4 _ Accessory Words |
| 5 _ Empty Words | 6 _ Grammatical Words |
| 7 _ Closed Class Words | 8 _ Form Words |
| 9 _ Particle يا Particule | 10 _ Particle يا Particule |
| 11 _ Particula | 12 _ Vehum |